

- بابی است در بیان آنچه موقع بیرون آمدن از محل قضای حاجت می‌گوید .. ۴۸
- بابی است در بیان آنچه در حال وضو می‌گوید..... ۴۹
- بابی است در بیان آنچه موقع بدن شستن می‌گوید ۵۲
- بابی است در بیان آنچه به وقت تیممش می‌گوید ۵۳
- بابی است در بیان آنچه موقع رفتن به مسجد می‌گوید ۵۳
- بابی است در بیان آنچه موقع داخل شدن به مسجد و بیرون آمدن از آن می‌گوید ۵۵
- بابی است در بیان آنچه در مسجد می‌گوید ۵۶
- بابی است در بیان انکار و نفرین کردن بر کسی که در مسجد به دنبال گمشده‌اش می‌گردد یا خرید و فروش می‌کند ۵۷
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید هرگاه کسی را دید که در مسجد شعری می‌گوید که در آن مدح اسلام و تشویق به مکارم اخلاق نیست ۵۸
- بابی است در بیان فضیلت اذان ۵۸
- بابی است در بیان چگونگی اذان ۵۹
- بابی است در بیان آنچه که شنونده‌ی اذان و اقامه می‌گوید ۶۱
- بابی است در بیان اینکه دعا بین اذان و اقامه مستجاب می‌شود ۶۵
- بابی است در بیان آنچه بعد از دو رکعت سنت قبله‌ی صبح می‌گوید ۶۶
- بابی است در بیان آنچه وقتی به صف نماز جماعت رسید، می‌گوید ۶۷
- بابی است در بیان آنچه به هنگام برخاستن برای نماز می‌گوید ۶۸
- بابی است در بیان دعایی که موقع اقامه‌ی نماز فرض گفته می‌شود ۶۸
- بابی است در بیان دعایی که موقع نماز بستن می‌گوید..... ۶۹
- بابی است در بیان الله اکبر که با آن نماز را آغاز می‌کنیم..... ۶۹

(باب ما يقول على وضوئه)

بابی است در بیان آنچه در حال وضو می‌گوید.

مستحب است که در اول وضو بگوید: بسم الله الرحمن الرحيم. اگر فقط بسم الله بگوید هم کفایت می‌کند. علمای ما گفته‌اند: اگر بسم الله در اول وضو نگفت در میانه‌ی وضو بگوید. اگر بسم الله نگفت تا اینکه از وضو فارغ شد وقت بسم الله گفتن گذشته است و با اینکه آن را نگفته وضوی او صحیح است. و در خصوص بسم الله گفتن احادیثی آمده که همه ضعیف است. امام احمد فرمود: درباره‌ی بسمله حدیث صحیحی نیافته‌ام. از آن جمله است حدیثی که در سنن ابی داود آمده است از رسول الله ﷺ که فرمود:

(لا وضوء لمن لم يذكر اسم الله عليه)؛ «وضو ندارد کسی که نام خدا را بر وضو یاد نکرد».

امام نووی فرمود: روایت داریم از سعید بن زید و ابی سعید خدری و عایشه و انس بن مالک و سهل بن سعد رضی الله عنهم؛ روایت همه در سنن بیهقی آمده است و بیهقی و غیر او همه آن احادیث را ضعیف دانسته‌اند.

و با اینکه احادیث بسمله در وضو ضعیف است، باز هم عمل به حدیث ضعیف در این‌گونه موارد جایز است.

(فصل) ابوالفتح نصر مقدسی زاهد گفته است که مستحب است برای

وضوگیرنده که بعد از گفتن بسم الله الرحمن الرحيم در اول وضو بگوید:
(أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ).

و این سخن که ابوالفتح مقدسی گفته است گرچه مانعی ندارد، اما اصلی در سنت ندارد و از علما مذهب‌مان و غیر از ایشان کسی آن را نگفته است.

(فصل) بعد از فارغ شدن از وضو بگوید: (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ)؛ «گواهی می‌دهم که نیست معبودی بحق مگر خدای یکتایی که هیچ شریکی برای او نیست و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده‌ی برحق خداست. خدایا بگردان مرا از توبه‌کنندگان، که در مقابل هر غفلی توبه‌نمایم و بگردان مرا از پاکیزگان که گرد هیچ آلودگی نگردم، خدایا منزّه و پاک هستی از هر عیب و نقص، تسبیح تو می‌گوییم و به حمد و ستایش تو می‌پردازم و گواهی می‌دهم که نیست معبودی بحق مگر تو. طلب آمرزش می‌نمایم از تو و به سوی تو روی می‌آورم».

نووی فرمود: و روایت داریم از عمر بن الخطاب که رسول الله ﷺ فرمود: (مَنْ تَوَضَّأَ فَقَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، فَتَحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ) رواه مسلم فی صحیحہ. «کسی که وضو بگیرد و موقع فارغ شدن از وضو بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، هشت در بهشت برای او گشوده می‌شود تا از هر یک از آن درها که بخواهد داخل به بهشت شود».

و روایت ضعیفی هم هست در سه بار تکرار کردن أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تا آخر. شیخ نصر مقدسی گفته است بعد از گفتن این اذکار که یاد شد بگوید: (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَلِّمْ).

علمای مذهب ما گفته‌اند اذکار یاد شده موقع فراغت از وضو و رو به قبله بگوید.

(فصل) امام نووی فرمود: دعا‌هایی که موقع شستن اعضای وضو گفته می‌شود از رسول الله ﷺ به ثبوت نرسیده است.

شیخ الاسلام ذکریای انصاری فرمود: در خصوص آن دعاها روایاتی هستند که از مجموع آنها دانسته می‌شود گفتن آنها مستحب است.

امام نووی فرمود: فقها گفته‌اند مستحب است دعاهایی که از سلف آمده و حاصل آن دعاها چنین است که بعد از گفتن بسم الله الرحمن الرحیم، بگوید: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا)؛ «حمد و ستایش‌ها برای خدای یکتایی است که آب را پاک کننده قرار داد». و موقع مضمضه و آب به دهن گردانیدن بگوید: (اللَّهُمَّ أَشْقِنِي مِنْ حَوْضِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَأَسَا لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَدًا)؛ «خدایا از حوض پیغمبرت - کوثر - در صحرای قیامت مرا لیوانی آب ده به طوری که بعد از آن هرگز تشنه نشوم». و موقع استنشاق و آب به بینی بردن بگوید: (اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْ نِي رَائِحَةَ نَعِيمِكَ وَجَنَّتِكَ)؛ «خدایا مرا محروم مفرما از بوی خوش بهشت‌هایت و خوشی آنها». و موقع شستن روی بگوید: (اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيِضُ وُجُوهُ وَتَسْوَدُ وُجُوهُ)؛ «خدایا مرا روسفید گردان در روز قیامت که روهای سفید و روهای سیاه می‌شود». و موقع شستن دست راست بگوید: (اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي)؛ «خدایا نامه‌ی اعمالم را به دست راستم برسان». و موقع شستن دست چپ بگوید: (اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي)؛ «خدایا نامه‌ی اعمالم را در دست چپم قرار مده». و موقع مسح سر بگوید: (اللَّهُمَّ حَرِّمْ شَعْرِي وَبِشْرِي عَلَى النَّارِ)؛ «خدایا مو و پوستم را بر دوزخ حرام گردان». تا آتش دوزخ به هیچ جای بدنم نرسد؛ یعنی مرا از رفتن به دوزخ حفظ فرما. و موقع مسح دو گوش بگوید: (اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ)؛ «خدایا بگردان مرا از جمله کسانی که گفتار را می‌شنوند و پیروی می‌کنند از بهترین گفتار». و موقع شستن دو پایش بگوید: (اللَّهُمَّ ثَبِّتْ قَدَمِي عَلَى الصِّرَاطِ، يَوْمَ تَثْبُتُ وَتَزِلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ)؛ «خدایا دو پای مرا بر پل صراط پایدار بدار، روزی که پاهایی ثابت می‌ماند و پاهایی می‌لغزد».

و نسایی و دوستش ابن السنّی در دو کتاب شان (عمل الیوم و اللیلة) به اسناد صحیح از ابو موسی اشعری روایت کرده‌اند که ابوموسی گفت: آب وضوی رسول الله آوردم، رسول الله ﷺ مشغول وضو گرفتن شد و شنیدم که در اثنای وضو دعا می‌کرد و می‌گفت: (اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَ وَسِّعْ لِي فِي دَارِي وَ بَارِكْ لِي فِي رِزْقِي)؛ «خدایا بیامرز برای من گناهم و فراخ بساز برایم خانه‌ام و در روزیم برکت قرار ده». گفتم: یا رسول الله، شنیدم که چنین دعایی می‌کردی: خدایا گناهم بیامرز و خانه‌ام گشاده و پرخیر بساز و در روزیم برکت بینداز. رسول الله فرمود: این دعا از حوائج انسانی چیزی باقی گذاشتند؟ یعنی این سه کلمه: (اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَ وَسِّعْ لِي فِي دَارِي وَ بَارِكْ لِي فِي رِزْقِي)، همه‌ی خیرات دنیا و آخرت را در بر دارد. ابن السنّی گفت: این دعا را در اثنای وضو بگویند. و نسائی گفت این دعا را بعد از فراغت از وضو بگویند. احتمال هر دو وجود دارد. در اثنای وضو بگویند خوب است و بعد از فراغت هم بگویند خوب است. واللّٰه سبحانه و تعالی أعلم.

(باب مایقوله علی اغتساله)

بابی است در بیان آنچه که موقع بدن شستن می‌گوید.

مستحب است موقع بدن شستن، گفتن آنچه موقع وضو گرفتن مستحب است. و فرقی نیست در اینکه بدن شوینده جنب یا حائض باشد. غسل فرض باشد یا غسل سنت. و بسم الله الرحمن الرحیم را اول غسل بگویند. چنانچه جنب یا حائض باشد آن را به قصد قرآن نگویند، بلکه به عنوان اینکه از اذکار وضو و اغتسال است بگویند. واللّٰه سبحانه و تعالی أعلم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلّم.

(باب مایقول علی تَیْمَمِه)

بابی است در بیان آنچه به وقت تیممش می‌گوید.

مستحب است که اول تیمم بسم الله الرحمن الرحیم را بگوید و اگر جنب و یا حائض باشد آن را به قصد قرآن نگوید، بلکه به عنوان آنچه از اذکار تیمم است بگوید. و در اثنای تیمم و بعد از تیمم آنچه در وضو مستحب بود در تیمم هم مستحب است، برای اینکه تیمم هم طهارتی است مانند وضو والله أعلم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلم.

(باب مایقول إذا توجّه الى المسجد)

بابی است در بیان آنچه موقع رفتن به مسجد می‌گوید.

قبلاً گفتیم که وقتی از خانه بیرون آمد به هر جا که می‌رود چه بگوید. بنابراین وقتی که به مسجد می‌رود اضافه بر آن بگوید آنچه در صحیح مسلم از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت شده از آن حدیث طولانی که ابن عباس شبی در منزل خاله‌اش میمونه خوابید و در آن حدیث راجع به نماز تهجد رسول الله ﷺ صحبت نمود تا اینکه وقت نماز صبح شد و مؤذن اذان صبح گفت. و رسول الله ﷺ برای نماز صبح از خانه بیرون آمد و می‌فرمود:

(اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَ فِي لِسَانِي نُورًا وَ اجْعَلْ فِي سَمْعِي نُورًا وَ اجْعَلْ فِي بَصَرِي نُورًا وَ اجْعَلْ مِنْ خَلْفِي نُورًا وَ مِنْ أَمَامِي نُورًا وَ اجْعَلْ مِنْ فَوْقِي نُورًا وَ مِنْ تَحْتِي نُورًا اللَّهُمَّ اعْطِنِي نُورًا).

«خدایا در دلم نور قرار ده و در زبانم نور قرار بده و در شنوایی‌ام نور قرار ده و در

بینایی‌ام نور قرار ده و از پشت سرم نور قرار ده و از رو به رویم نور قرار ده و از بالای سرم نور قرار ده و از زیر پایم نور قرار ده، خدایا نور به من بده». مسلمان از خدا می‌خواهد که در دل و زبانش و در گوش و چشمش و از پشت سر و جلو رویش و از بالا و زیر و از همه طرف او نور خدا باشد و خدا به او نور عطا فرماید تا در همه حال و همه کارش نور باشد. چه دعایی از این بهتر که مسلمان در اعضایش نور خدا باشد و نور خدا به او احاطه نموده باشد و خدا به او نور عطا فرماید تا همیشه مثل خورشید پرفروغ و نور رسان باشد.

و در کتاب ابن السنی روایت داریم از بلال رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله وقتی که به قصد نماز از خانه بیرون می‌آمد می‌فرمود:

(بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ بِحَقِّ السَّائِلِينَ عَلَيْكَ وَبِحَقِّ مَخْرَجِي هَذَا فَإِنِّي لَمْ أَخْرُجْهُ أَشْرًا وَلَا بَطَرًا وَلَا رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً، خَرَجْتُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَاتِّقَاءَ سَخَطِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُعِيدَنِي مِنَ النَّارِ وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ).
قال النووي رحمته الله: حديث ضعيف، أحد رواه: الوازع بن نافع العقيلي وهو متفق على ضعفه وإنه منكر الحديث. وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي مَعْنَاهُ مِنْ رِوَايَةِ عَطِيَّةِ الْعَوْفِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَطِيَّةٍ أَيْضًا ضَعِيفٌ.

«به نام خدا از خانه بیرون آمدم و ایمان آوردم به خدا و توکل نمودم بر خدا و کارهایم را به خدا واگذاشتم و نیست توانایی بر طاعت خدا و نه چاره‌ای برای دوری از گناه، مگر به کمک الله سبحانه و تعالی، خدایا به حق سؤال‌کنندگان و خواهش‌کنندگان از تو و به حق بیرون آمدنم از خانه برای رفتن به مسجد که من بیرون نیامدم به قصد تکبر و بی‌اعتنایی به حق و نه به قصد شهرت، بلکه بیرون آمدم از خانه به قصد خواستن خشنودیات و پرهیز از خشم، از تو می‌خواهم مرا پناه دهی از دوزخ و مرا از آتش دوزخ دور نگه‌داری و مرا داخل نمایی به بهشت».

نووی فرمود که این حدیث ضعیف است. روایت آن به همین لفظ یکی از روایت‌کنندگانش وازع بن نافع است که معروف است به ضعف در روایت حدیث و نامقبول بودن روایت او. و روایت به معنی این حدیث باز هم به روایت عطیه عوفی است که او هم ضعیف است. و گویی امام نووی که آن را در کتاب اذکار خود آورد از این جهت باشد که عمل به حدیث در فضایل اعمال جایز است واللّه سبحانه و تعالی أعلم.

(باب ما یقول عند دخول المسجد و الخروج منه)

بابی است در بیان آنچه موقع داخل شدن به مسجد و بیرون آمدن از آن می‌گوید.

موقع داخل شدن به مسجد می‌گوید: (أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ وَ سُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ أَفْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ).

«پناه می‌برم به خدای بزرگ و به ذات بزرگوار او و به سلطان و قدرت قدیم او از شیطان رانده شده. همه‌ی ستایش برای خدای یکتاست. خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد، خدایا بیامرزد گناهانم را و بگشای برایم درهای رحمت».

و موقع بیرون آمدن از مسجد همین را بگوید و به جای (اللَّهُمَّ أَفْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، بگوید: (و أَفْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ).

و اگر موقع داخل شدن به مسجد بگوید: (السَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ، اللَّهُمَّ أَفْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ). و موقع بیرون آمدن از مسجد بگوید: (السَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ، اللَّهُمَّ أَفْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ). هم خوب است.

و در حدیث صحیح است که موقعی که نمازگزار از مسجد بیرون می‌آید لشکریان

ابلیس بر او جمع می‌شوند. بنابراین بگوید: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ)؛ «خدایا پناه می‌برم به تو از ابلیس و لشکریانش». این را که بگوید ضرری به او نمی‌رسانند.

(باب ما یقول فی المسجد)

بابی است در بیان آنچه در مسجد می‌گوید.

مستحب است بسیار یاد خدا کردن در مسجد با گفتن سُبْحَانَ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ و ذکرهای دیگر. و مستحب است بسیار خواندن قرآن در مسجد. و از جمله مستحبات مسجد، خواندن حدیث رسول الله ﷺ و علم فقه و دیگر علوم است. خدای متعال فرمود:

﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ﴾
«در خانه‌هایی (در مساجد) که خدا اجازه داد بالا بردن و یاد کردن نام او. در همین مساجد صبح و پسین مردانی به تسبیح و تنزیه خدا مشغولند».

و رسول الله ﷺ فرمود: (إِنَّمَا هِيَ لِذِكْرِ اللَّهِ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ). رواه مسلم. «این مساجد تنها ساخته شده برای یاد خدا کردن و تلاوت قرآن».

(فصل) شایسته است برای کسی که در مسجد نشسته است اینکه نیت اعتکاف کند: (نَوَيْتُ الْإِعْتِكَافَ) برای اینکه نزد ما نیت اعتکاف جایز است، اگرچه برای یک لحظه هم باشد؛ حتی اگر از مسجد عبور می‌کند هم لحظه‌ای بایستد و نیت اعتکاف نماید و بعد عبور کند. و مکروه است که در مسجد فارغ و بدون یاد خدا بنشیند، برای اینکه کسی که در مسجد است خوب است خود را به طاعتی مشغول دارد، از قبیل نماز، تلاوت قرآن، ذکر خدا، درس علم. و کسی که در مسجد است امر به

معروف و نهی از منکر نماید. و هر بار که به مسجد داخل می‌شود دو رکعت تحیت مسجد بخواند. اگر برایش مقدور نباشد چهار بار بگوید: (سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ).

(باب انکاره و دعائه علی من ینشد ضالة فی المسجد او یبیع فیه)

بابی است در بیان انکار و نفرین کردن بر کسی که در مسجد به دنبال گمشده‌اش می‌گردد یا خرید و فروش می‌کند.

اگر دید که کسی در مسجد می‌خواهد به خرید و فروش بپردازد یا سؤال گمشده نماید، منع نماید. چنانکه در حدیث صحیح مسلم آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: (مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَنْشُدُ ضَالَّتَهُ فِي الْمَسْجِدِ فَلْيَقُلْ لَا رَدَّهَ اللَّهُ عَلَيْكَ فَإِنَّ الْمَسَاجِدَ لَمْ تُبْنَ لَهُذَا)؛ «کسی که شنید که مردی سؤال گمشده‌اش در مسجد می‌کند، بگوید: خدا گمشده‌ات را برنگرداند، برای اینکه مساجد برای این چیزها ساخته نشده است».

و در کتاب ترمذی آمده است: (إِذَا رَأَيْتُمْ مَنْ يَبِيعُ أَوْ يَبْتَاعُ فِي الْمَسْجِدِ فَقُولُوا لَا أُرَبِّحَ اللَّهُ تِجَارَتَكَ)؛ «هرگاه دیدید کسی را که در مسجد می‌فروشد یا می‌خرد، به او بگویید خدا تجارتت را سودمند نگرداند».

(باب ما يقول إذا رأى من ينشد في المسجد شعراً ليس فيه مدح الإسلام
ولا ترغيب إلى مكارم الاخلاق)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید هر گاه کسی را دید که در مسجد شعری
می‌خواند که در آن مدح اسلام و تشویق به مکارم اخلاق نیست.

روایت داریم در کتاب ابن سنّی از ثوبان رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:
(مَنْ رَأَيْتُمُوهُ يُنْشِدُ شِعْراً فِي الْمَسْجِدِ فَقُولُوا لَهُ: فَضَّ اللَّهُ فَاكً، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ؛
«کسی را که دیدید در مسجد شعری می‌خواند، به او بگویید خداوند دهانت را پاره
کند، سه بار».

(باب فضيلة الأذان)

بابی است در بیان فضیلت اذان

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: (لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْإِذَاءِ وَالصَّفِّ الْأَوَّلِ ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ
يَسْتَهْمُوا عَلَيْهِ لَأَسْتَهَمُوا). رواه البخاری و مسلم فی صحیحیہما عن أبی ہریرۃ رضی الله عنه.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر مردم می‌دانستند که در اذان و صف اول نماز با
جماعت چقدر ثواب است و آنگاه اذان و صف اول به دست نمی‌آمد مگر به قرعه
انداختن، راضی می‌شدند که بر آن قرعه بیندازند».

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: (الْمُؤَذِّنُونَ أَطْوَلُ النَّاسِ أَغْنَاءًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ). رواه مسلم.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مؤذنان مساجد روز قیامت گردن‌شان از گردن مردم
درازتر است». یعنی در روز قیامت مؤذنان از سرافرازترین مردم هستند، برای اینکه

وقت نماز را اعلام می‌کنند و مردم را دعوت به سوی نماز و طاعت خدا می‌کنند.
 يقول رسول الله ﷺ: (لَا يَسْمَعُ مَدَى صَوْتِ الْمُؤَذِّنِ جِنَّ وَلَا إِنْسٌ وَلَا شَيْءٌ إِلَّا شَهِدَ لَهُ
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ) رواه البخاری

«هر کس و هر چیز که آواز مؤذن بشنود در وقت اذان گفتنش، خواه جن و یا انس و یا هر چیز دیگر باشد، در روز قیامت گواهی برای مؤذن می‌دهد».

علمای مذهب ما شافعیان در خصوص اینکه امامت نماز بیشتر فضیلت دارد و یا اذان گفتن، بر چهار قول اختلاف نظر دارند. معتمد این است که اذان افضل است. قول دوم امامت افضل است. قول سوم امامت و اذان در فضیلت یکسانند. قول چهارم اگر می‌داند که حقوق امامت را می‌گذارد و شروط آن در وجود او جمع است امامت بهتر است و گرنه اذان افضل است.

(باب صفة الأذان)

بابی است در بیان چگونگی اذان

بدان که ترجیع در اذان سنت است و ترجیع، یعنی بعد از اینکه چهار بار الله اکبر بلند گفت، آهسته به طوری که خودش و کسی که نزدیک اوست بشنود دو بار بگوید: أشهد أن لا إله إلا الله و دو بار نیز آهسته بگوید: أشهد أن محمداً رسول الله، و بعد از اینکه دو بار شهادتین را آهسته گفت، دو بار أشهد أن لا إله إلا الله، را بلند بگوید و دو بار نیز أشهد أن محمداً رسول الله را بلند بگوید. و تثویب سنت است؛ و تثویب عبارت از این است که دو بار حیّ على الصلاة و دو بار حیّ على الفلاح را که در اذان صبح گفت، دو بار بگوید: الصلاة خير من النوم.

الفاظ اذان: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ، حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ، حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ، حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

و کسی که اذان می شنود هر چه که از مؤذن می شنود تکرار کند، مگر اینکه با شنیدن حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ و حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ می گوید: لَا حَوْلَ و لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ و موقعی مؤذن در نماز صبح می گوید: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ. شنونده می گوید: صَدَقْتَ و بَرَزْتَ: راست گفتی و نیکوکار شدی. گفته شده بگوید: صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ. و مستحب است که مؤذن خوش آواز و امین و محل اعتماد و با خبر از اوقات نماز باشد. و مستحب است که در اذان و اقامه با وضو باشد. و بدون وضو اذان و اقامه مکروه است. و رو به قبله اذان بگوید. و اذان و اقامه را ایستاده بگوید. اذان کافر و کودک غیر ممیز و زن روا نیست.

اگر در اذان ترجیع و تثویب نگوید، اذانش صحیح است و ترک افضل نموده است. اذان و اقامه اختصاص به نمازهای فرض شبانه روزی دارد، خواه به تنهایی خوانده شود یا با جماعت، برای حاضر باشد یا مسافر، برای نماز ادا باشد یا نماز قضا. اگر چند نماز فرض با هم می خواند برای نماز اولی اذان و اقامه هر دو بگوید، برای باقی فقط اقامه بگوید. اذان و اقامه بنابر قول معتمد هر دو سنت هستند، چه برای نماز فرض شبانه روزی، چه نماز جمعه. و اذان و اقامه اختصاص به نمازهای فرض دارد، مثل نماز پنجگانه شبانه روزی و نماز جمعه.

و در نماز عید و کسوف و خسوف و استسقاء گفته می شود: «الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ» و در سنن و نوافل دیگر گفته نمی شود. و در تراویح بنابر أصح اقوال «الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ» گفته می شود.

و شرط است در اذان که بعد از دخول وقت نماز گفته شود. و برای نماز صبح درست است بعد از نیمه‌ی شب اذان صبح گفته شود. و معمولاً اذان اول نماز صبح یک ساعت قبل از دخول وقت گفته می‌شود تا کسانی که نماز تهجد می‌خوانند بعد از اذان اول بخوانند، برای اینکه مردم سست شده و مثل قبل همت ندارند بیش از نصف شب به نماز تهجد بپردازند. و اقامه‌ی نماز باید موقع آغاز به نماز گفته شود.

الفاظ اذان: الله أكبر الله أكبر، الله أكبر الله أكبر. و ترجیع دو بار أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و دو بار أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، که آهسته گفته می‌شود، سپس دوبار أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و دوبار أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ که به آواز بلند می‌گوید، سپس دو بار حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ و دو بار حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ می‌گوید و در نماز صبح پس از آن دو بار الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ می‌گوید و سپس دو بار الله أكبر و پس از آن یک بار لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ می‌گوید. بنابراین الفاظ اذان بدون ترجیع و تثویب پانزده کلمه است و با ترجیع نوزده کلمه و با ترجیع و تثویب بیست و یک کلمه است.

(بَابُ مَا يَقُولُ مَنْ سَمِعَ الْمُؤَذِّنَ وَالْمُقِيمَ)

بابی است در بیان آنچه که شنونده‌ی اذان و اقامه می‌گوید.

مستحب است کسی که اذان و اقامه را می‌شنود مانند مؤذن بگوید، اما در حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ و حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ بگوید: (لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ) و موقعی که مؤذن می‌گوید: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ، بگوید: (صَدَقْتَ وَبَرَزْتَ) و گفته شده، بگوید: (صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ) و موقعی که مقیم می‌گوید: «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، بگوید: (أَقَامَهَا اللَّهُ وَ أَدَامَهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ جَعَلَنِي مِنْ صَالِحِي أَهْلِهَا)». آیا اینکه مؤذن که اذان می‌گوید خودش هم مثل

باقی شنوندگان اذان بگویند، به نظر امام الحافظ العلامة ابن حجر هیثمی خودش مثل الفاظ اذان بگویند و بعد از حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ وَ حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ، لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ بگویند.

رسول الله ﷺ موقعی که مؤذن اُشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ می گفت، می فرموده است: (وَأَنَا أَشْهَدُ)، یعنی من گواهی می دهم که رسول الله هستم. و موقعی که مؤذن می گوید: اُشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. شنونده بگوید: (رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا) و همچنین موقعی که مؤذن گفت: اُشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، شنونده بگوید: (رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا)، و موقعی که شنید مؤذن می گوید: (حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ)، بگویند: (لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ) و بگویند: (اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مُفْلِحِينَ).

وقتی که شنونده ی اذان واقامه از گفتن مانند گفته ی مؤذن فارغ شد، بگوید: (اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ وَ الصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَ الْفَضِيلَةَ وَ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً الَّذِي وَعَدْتَهُ). پس از آن دعا نماید به آنچه می خواهد از امور دنیا و آخرت؛ ترجمه ی دعا: «خدایا، صاحب این دعوت کامل و صاحب این نمازی که اکنون برپا می شود، بده به محمد وسیله و فضیله که دو منزلت در بهشتند و او را برسان به مقام محمود که وعده اش فرمودی». پس از دعا صلوات بر رسول الله و آل و اصحابش بفرستد.

روی البخاری و مسلم عن ابی سعید الخدری رضی الله عنه قال قال رسول الله ﷺ: (إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ الْمُؤَذِّنُ)؛ رسول الله ﷺ فرمود: «وقتی شنیدید که مؤذن اذان می گوید، مانند او بگویید».

و روی مسلم عن عبد الله بن عمرو بن العاص رضى الله عنهما أنه سمع النبي ﷺ يقول: (إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ، ثُمَّ صَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا، ثُمَّ سَلُوا اللَّهَ لِي الْوَسِيلَةَ فَإِنَّهَا مَنَزَلَةٌ فِي الْجَنَّةِ لَا تَنْبَغِي إِلَّا لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ وَ أَزْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ، فَمَنْ سَأَلَ لِي الْوَسِيلَةَ حَلَّتْ لَهُ الشَّفَاعَةُ).

رسول الله ﷺ فرمود: «وقتی که اذان را شنیدید شما مانند مؤذن بگویید، پس از آن بر من درود فرستید که هر کسی که یک بار درود بر من فرستد خدا ده بار بر او درود فرستد، آنگاه طلب وسیله نمایید برای من، که وسیله منزلتی است در بهشت برای یکی از بندگان خدا و امیدوارم آن بنده‌ای که خدا منزلت وسیله به او عطا فرموده است من باشم».

و روی مسلم عن عمر بن الخطاب رضی الله عنه قال قال رسول الله ﷺ: (إِذَا قَالَ الْمُؤَذِّنُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، فَقَالَ أَحَدُكُمْ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ قَلْبِهِ، دَخَلَ الْجَنَّةَ).

رسول الله ﷺ فرمود: «وقتی که مؤذن گفت: الله اكبر الله اكبر، و یکی از شما که اذان می‌شنود گفت: الله اكبر الله اكبر، پس از آن مؤذن گفت: أشهد أن لا إله إلا الله یکی از شما که اذان می‌شنود گفت: أشهد أن لا إله إلا الله. پس از آن مؤذن گفت: أشهد أن محمداً رسول الله و شنونده گفت: أشهد أن محمداً رسول الله، پس از آن مؤذن گفت: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ و شنونده گفت: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، پس از آن مؤذن گفت: حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ و شنونده گفت: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، پس از آن

مؤذن گفت: الله اكبر الله اكبر و شنونده گفت: الله اكبر الله اكبر، پس از آن مؤذن گفت: لا إله إلا الله و شنونده گفت: لا إله إلا الله و همه این کلمات را از دل گفت، به بهشت رسیده است». حتی على الصلاة؛ یعنی بشتابید به سوی نماز. حتی على الفلاح؛ یعنی بشتابید به سوی رستگاری. شنونده می‌گوید: لا حول ولا قوة إلا بالله، یعنی نیست چاره‌ای برای دور شدن از گناه و نه نیرویی برای انجام دادن طاعت جز به کمک خدای عزوجل. مؤذن می‌گوید: بشتابید به سوی نماز، شنونده می‌گوید ما به کمک خدای عزوجل می‌شتابیم به سوی نماز، یعنی اگر کمک خدا نباشد نه دوری از گناه می‌توانیم، نه پایداری بر طاعت.

و روی مسلم عن سعد بن أبي وقاص رضی الله عنه عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: (مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ الْمُؤَذِّنَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ)؛

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که موقعی که صدای مؤذن می‌شنود، بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، گناهش بخشوده شده است». یعنی موقع شنیدن أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و همچنین موقع شنیدن أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، گناهش آمرزیده شده است.

(فصل) اگر موقع اذان، شنونده در نماز است، مانند مؤذن نگوید، بلکه وقتی که از نماز فارغ شد مؤذن را اجابت نماید. اگر در نماز مانند مؤذن گفت، گفتنش مکروه است و نمازش باطل نمی‌شود. و اگر موقع اذان در حال قضای حاجت است، جواب مؤذن نگوید که بر زبان آوردن کلمات اذان در آن حالت حرام است. اما اگر مشغول

تلاوت قرآن یا درس علم یا مشغول تسبیح و تهلیل است، همه‌ی این‌ها را قطع کند و جواب مؤذن بدهد.

(باب الدعاء بعد الأذان)

بابی است در بیان اینکه دعا بین اذان و اقامه مستجاب می‌شود.

رَوَيْنَا عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

(لَا يُرَدُّ الدُّعَاءُ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ) رواه أبو داود و الترمذی و النسائی و ابن السنی و غیرهم. قال الترمذی: حدیث حسن صحیح و زاد الترمذی فی روايته قالوا: فإذا نقول يا رسول الله؟ قال: (سَلُوا اللَّهَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ).

رسول الله ﷺ فرمود: «دعای میان اذان و اقامه مستجاب است، گفتند: یا رسول الله چه دعایی بکنیم؟ فرمود: از خدا بخواهید عافیت دنیا و آخرت». کلمه‌ی عافیت به معنی دوری از ناملایمات است. طلب عافیت کردن به معنی دوری از بیماری، دوری از زشتکاری، دوری از آنچه دنیا و یا آخرت انسان را به باد می‌دهد. یعنی طلب عاقبت خیر در همه‌ی امور.

وَرَوَيْنَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ الْمُؤَذِّنِينَ يَفْضِلُونَنَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (قُلْ كَمَا يَقُولُونَ، فَإِذَا أَنْتَهَيْتَ فَسَلْ تُعْطَهُ). رواه أبو داود و لم يضعّفه.

مردی گفت یا رسول الله، مؤذنان بر ما برتری یافته‌اند. رسول الله ﷺ فرمود: «هر چه مؤذن می‌گوید، بگو و وقتی که از جواب مؤذن فارغ شدی هر چه می‌خواهی از خدا بخواه که آن را به تو می‌دهند».

وَرَوَيْنَا فِي سَنَنِ أَبِي دَاوُدَ أَيْضاً فِي كِتَابِ الْجِهَادِ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (ثِنْتَانِ لَا تُرَدَّانِ أَوْ قَالَ مَا تُرَدَّانِ: الدُّعَاءُ عِنْدَ النَّدَاءِ وَعِنْدَ الْبَاسِ حِينَ يُلْحِمُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا). کلمه‌ی یُلْحِمُ در بعضی از روایات به حاء است و در بعضی روایات یُلْحِمُ به جیم است و معنی تفاوت نمی‌کند.

رسول الله ﷺ فرمود: «دو دعای مستجاب هستند که برگشت ندارند: دعا موقعی که مؤذن اذان می‌گوید و دعا موقعی که مجاهدین در جهاد فی سبیل الله به جنگ تن به تن مشغولند».

(باب ما یقول بعد رکعتی الصبح)

بابی است در بیان آنچه بعد از دو رکعت سنت قبلیه‌ی صبح می‌گوید.

رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السِّنِّ عَنْ أَبِي الْمَلِيحِ وَاسْمِهِ عَامِرُ بْنُ أُسَامَةَ عَنْ أَبِيهِ رضي الله عنه أَنَّهُ صَلَّى رَكْعَتَيَ الْفَجْرِ وَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ صَلَّى قَرِيباً مِنْهُ رَكْعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ ثُمَّ سَمِعَهُ يَقُولُ وَهُوَ جَالِسٌ: (اللَّهُمَّ رَبِّ جِبْرِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ ﷺ، أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ). ثلاث مرّات

ابوالملیح عامر بن اسامه از پدرش اسامه روایت نمود که اسامه دو رکعت سنت قبلیه‌ی صبح خواند و رسول الله ﷺ دو رکعت قبلیه‌ی صبح نزدیک اسامه خواند، دو رکعت سبک. بعد از اینکه رسول الله ﷺ دو رکعت قبلیه‌ی صبح را به پایان برد، اسامه شنید که رسول الله ﷺ می‌فرماید: «خدایا ای پروردگار جبرئیل و اسرافیل و میکائیل و محمد پیغمبر ﷺ، پناه می‌برم به تو از دوزخ». و این را سه بار فرمود.

و بعضی از علما گفته‌اند که بعد از دو رکعت قبلیه‌ی صبح بگوید:

«اللَّهُمَّ بِحُرْمَةِ الْحَسَنِ وَ أَخِيهِ وَ أُمِّهِ وَ أَبِيهِ وَ جَدِّهِ وَ بَنِيهِ نَجِّنِي مِنَ الْغَمِّ الَّذِي أَنَا فِيهِ».

«خدایا به حرمت حسن بن علی و برادرش حسین بن علی و پدرش علی بن ابی طالب و مادرش سیده نساء العالمین و جدش رسول الله ﷺ و فرزندانش مرا از این غمی که دچار آن هستم نجاتم بده».

(باب ما یقول إذا أنتهی إلى الصّف)

بابی است در بیان آنچه وقتی به صف نماز جماعت رسید، می‌گوید.

رَوَيْنَا عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى الصَّلَاةِ وَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي، فَقَالَ حِينَ أَنْتَهَى إِلَى الصَّفِّ: اللَّهُمَّ آتِنِي أَفْضَلَ مَا تُؤْتِي عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ. فَلَمَّا قَضَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (مَنْ أَلْتَكَلَّمَ آفِئًا)؟ قَالَ: أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: (إِذَنْ يُعْقَرُ جَوَادُكَ وَتَسْتَشْهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى). رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَابْنُ السَّنِيِّ وَرَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي تَارِيخِهِ فِي تَرْجُمَةِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمَ بْنِ عَائِذٍ.

مردی آمد برای نماز جماعت در مسجد رسول الله ﷺ با جماعت نماز می‌خواند، آن مرد وقتی که به صف نماز رسید گفت: خدایا به من بده بهترین چیزی که به بندگان صالح و شایسته کار خودت می‌دهی. رسول الله ﷺ وقتی که سلام نماز گفت فرمود: «چه کسی الآن سخن گفت؟» آن مرد گفت: من بودم یا رسول الله، رسول الله ﷺ فرمود: «بنابر این اسبت پی می‌شود و خود در جهاد فی سبیل الله شهید می‌شوی». یعنی بهترین چیزی که خدا به صالحان می‌دهد شهادت فی سبیل الله است.

(باب ما يقوله عند أرادته القيام إلى الصلاة)

بابی است در بیان آنچه به هنگام برخاستن برای نماز می‌گوید.

رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السِّنِّي عَنْ أُمِّ رَاقِعٍ أَنَّهَا قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ، دَلَّنِي عَنْ عَمَلٍ يَأْجُرُنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ. قَالَ: (يَا أُمَّ رَافِعٍ، إِذْ قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَسَبِّحِي اللَّهَ تَعَالَى عَشْرًا وَهَلِّلِيهِ عَشْرًا وَكَبِّرِيهِ عَشْرًا وَاسْتَغْفِرِيهِ عَشْرًا فَإِنَّكَ إِذَا سَبَّحْتَ قَالَ هَذَا لِي وَإِذَا هَلَّلْتَ قَالَ هَذَا لِي وَإِذَا كَبَّرْتَ قَالَ هَذَا لِي وَإِذَا اسْتَغْفَرْتَ قَالَ قَدْ فَعَلْتُ).

ام رافع رضی الله عنها عرض کرد: یا رسول الله مرا راهنمایی فرما به سوی عملی که خدا بر آن عمل مرا ثواب دهد. رسول الله ﷺ فرمود: «وقتی که خواستی برای نماز برخیزی، ده بار سبحان الله و ده بار لا اله الا الله و ده بار الله اکبر و ده بار استغفرالله بگو، برای اینکه وقتی سبحان الله گفتی، خدا می‌فرماید: برای من تسبیح گفت و وقتی که لا اله الا الله گفتی خدا می‌فرماید: برای من تهلیل گفت و وقتی که الله اکبر گفتی، خدا می‌فرماید: برای من تکبیر گفت و وقتی که استغفرالله گفتی، خدا می‌فرماید: مغفرت و آمرزش را انجام دادم».

(باب الدعاء عند الإقامة)

بابی است در بیان دعایی که موقع اقامه‌ی نماز فرض گفته می‌شود.

رَوَى الْإِمَامُ الشَّافِعِيُّ بِإِسْنَادِهِ فِي «الْأَمِّ» حَدِيثًا مُرْسَلًا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (أُطْلِبُوا اسْتِجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ الَّتِقَاءِ الْجُيُوشِ وَإِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَنُزُولِ الْغَيْثِ). وَقَالَ الشَّافِعِيُّ وَقَدْ حَفِظْتُ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ طَلَبَ الْإِجَابَةِ عِنْدَ نَزُولِ الْغَيْثِ وَإِقَامَةِ الصَّلَاةِ.

امام شافعی رحمته الله به اسناد خود در کتاب عظیم «ام» حدیث مرسلی روایت نمود که

رسول الله ﷺ فرمود: «طلب اجابت دعا نماید موقعی که مجاهدین اسلام با دشمنان شان در جهاد فی سبیل الله به هم می‌رسند و موقع اقامه‌ی نماز فرض و موقع آمدن باران». امام شافعی رحمه الله فرمود: از بسیاری از علما روایت دارم طلب اجابت دعا موقع آمدن باران و موقع اقامه‌ی نماز فرض.

(باب ما یقوله إذا دخل الصلاة)

بابی است در بیان دعایی که موقع نماز بستن می‌گوید.

امام نووی رحمه الله علیه فرمود: این بابی است بسیار وسیع و در آن احادیث بسیار در انواع متعدد آمده است و فرع‌های بسیاری از آن در کتب فقه آمده است و من در این جا اصول و مقاصد این باب را بدون ذکر دلایل آن می‌آورم برای اینکه این کتاب برای ذکر دلایل نیست، بلکه برای بیان مطالبی است که به آن عمل شود.

(باب تکبيرة الإحرام)

بابی است در بیان الله اکبر که با آن نماز را آغاز می‌کنیم.

بدان که نماز صحیح نمی‌شود مگر به تکبيرة الإحرام، چه نماز فرض باشد و چه نماز سنت. و تکبيرة الإحرام نزد امام شافعی و بیشتر علما جزئی از نماز و رکنی از ارکان نماز است. و نزد امام ابوحنیفه شرطی از شروط نماز است و از خود نماز نیست. و بدان که لفظ تکبیر به الله اکبر یا الله الأكبر حاصل می‌شود. نزد امام شافعی و امام ابوحنیفه و نزد امام مالک رحمهم الله به الله الأكبر بسته نمی‌شود؛ بنابراین احتیاط واجب، گفتن الله اکبر است. چنانچه بگوید: الله العظیم یا الله

المتعال أكبر يا الله أعظم يا الله أعلم يا الله أعزُّ، نمازش به این کلمات و امثال آنها نزد امام شافعی و بیشتر علما بسته نمی‌شود. اما نزد امام ابوحنیفه رحمته الله به گفتن الله أعلم یا امثال آن نماز بسته می‌شود و نمازش صحیح است.

بدان که نه تکبیر و نه غیر آن صحیح نمی‌شود مگر موقعی که آن را بر زبان بیاورد به طوری که خودش بشنود اگر عارضی نباشد که مانع از شنیدن شود. و اگر زبانش گنگ است و قراءت نمی‌تواند، زبان خود را حرکت دهد به قدر توانایی‌اش و نمازش صحیح می‌شود. و بدان که قول معتمد در مذهب این است که تکبيرة الإحرام مد داده نمی‌شود، بلکه سریع آن را می‌گوید. اما باقی تکبیرات نماز مد می‌دهد تا برسد به رکن بعدی آن. اگر تکبيرة الإحرام را مد داد نمازش باطل نمی‌شود، لکن فضیلت جماعت را از دست می‌دهد. و بدان که محل مد بعد از لام الله است.

(فصل) بدان که سنت این است که امام تکبیرات نماز را بلند بگوید تا مأموم آن را بشنود. و اگر نماز به تنهایی می‌خواند به قدری بلند بگوید که خودش آن را بشنود. اگر مأموم تکبیر را بلند گفت یا امام تکبیر را آهسته گفت خلل به نماز نمی‌رساند. و باید کوشید که تکبيرة الإحرام را درست بگوید، چنانکه در غیر محل مد، مد داد به طوری که اکبر را اکبار گفت، نمازش صحیح نمی‌شود.

(فصل) و بدان که نمازی که دو رکعت است در آن یازده تکبیر است و نماز سه رکعتی هفده تکبیر دارد و نماز چهار رکعتی بیست و دو تکبیر دارد. و بدان که همه‌ی این تکبیرات سنت است، اگر به عمد ترک آنها نمود یا به سهو، نمازش باطل نمی‌شود، مگر تکبيرة الإحرام که باید گفته شود و بدون آن نمازش بسته نمی‌گردد.